

« به نام او ، به یاد او، برای او »

« دبیرستان : علامه حلی (۱) »

« قواعد درس پنجم ( الجملة الفعلية و الاسمية ) »

« تهبه و تنظيم : فدایی / دبیر دبیرستان حلی »

« جزوه درسی : پایه دهم »

« سال تحصیلی : ۹۷ - ۹۶ »

## « قواعد درس پنجم » : « هذا خلق الله »

□□ جمله در زبان عربی به دو شکل دیده می‌شود : ۱- جمله فعلیه ۲- جمله اسمیه

(۱) **جمله فعلیه :**

باشد، « **جمله فعلیه** » گفته می‌شود.

(۱) **فعل :** کلمه‌ایست که انجام دادن کاری و یا روی دادن حالتی را در زمان مشخصی به ما نشان می‌دهد. ( همانطور که گفته شد ؛ ماضی - مضارع - امر )

(۲) **فاعل :** کلمه‌ای که انجام دهنده و کننده‌ی کار است و برای یافتن آن در جمله باید از دو سوال « **چه کسی ؟** » و « **چه چیزی ؟** » استفاده شود.

★ جایگاه « **فاعل** » همواره بعد از فعل بوده ( ممکن است بلافاصله بعد از فعل و ممکن با فاصله از فعل )

و علامت آن همواره « **مرفوع** » **بِـ** / **بِـ** / « **ان** » در اسم مثنی / « **ون** » در جمع مذکر سالم ) می‌باشد. مثال :

- يَذْهَبُ الطَّالِبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ . ( الطَّالِبُ ؛ فاعل و مرفوع )  
- لَا يَسْتَكْسَلُ التَّلْمِيذُ فِي قِرَاءَةِ دُرُوسِهِ . ( التَّلْمِيذُ ؛ فاعل و مرفوع )

### انواع فاعل در زبان عربی :

(۱) **اسم ظاهر :** به اسمی که همواره بعد از فعل، به عنوان انجام دهنده و کننده‌ی کار به صورت نمایان دیده می‌شود، فاعل از نوع « **اسم ظاهر** » گفته می‌شود.

که فقط در صیغ‌های ۱ و ۴ همه‌ی فعلها معمولاً فاعل از نوع « **اسم ظاهر** » می‌باشد.

( **به هر اسمی به غیر از « ضمیر »** [ اسم‌های اشاره - اسم‌های عام و یا خاص - اسم‌های موصول و ... ] . مثال :

- يَجْتَهِدُ عَلِيٌّ فِي دُرُوسِهِ ( عَلِيٌّ ؛ فاعل از نوع اسم ظاهر )  
- يُدَافِعُ الْمُؤْمِنُ عَنِ وَطَنِهِ الْإِسْلَامِيِّ ( الْمُؤْمِنُ ؛ فاعل از نوع اسم ظاهر )

- ذَهَبَتْ هَذِهِ التَّلْمِيذَةُ إِلَى الْبَيْتِ ( هَذِهِ ؛ فاعل از نوع اسم ظاهر )  
- سَلَّمَ طَالِبٌ إِلَى مُعَلِّمِنَا ( طَالِبٌ ؛ فاعل از نوع اسم ظاهر )

(۲) **ضمیر بارز ( آشکار ) :** همان شناسه‌ها یا علامتهای موجود در فعلهاست که در صرف صیغه‌های افعال دیده می‌شود.

مثال :

ت	ت	ت	ت
ا	ا	ا	ا
و	و	و	و

☞ **الف) در فعل ماضی :** به جز صیغه‌های « ۱ و ۴ » ( للغائب و للغائبة ) عبارتند از :

- أَيُّهَا الطَّالِبُ ! نَجِّحْتُمْ فِي إِمْتِحَانَاتِكُمْ ( فاعل : ضمیر بارز « تُم » در فعل « نَجِّحْتُمْ » )

- هُمْ عَبْدُوا اللَّهَ بِالْأَخْلَاصِ ( فاعل : ضمیر بارز « او » در فعل « عَبْدُوا » )

☞ **ب) در فعل « مضارع » و متعلقاتش** ( آنچه که از مضارع ساخته می‌شود ) :

مثال :

ی	ی	ی	ی
ا	ا	ا	ا
و	و	و	و

☞ به جز صیغه‌های « ۱ و ۴ و ۷ و ۱۳ و ۱۴ » بقیه صیغه‌ها عبارتند از :

- الْمُسْلِمُونَ يَجْتَمِعُونَ فِي الْمَسْجِدِ ( فاعل : ضمیر بارز « او » در فعل « يَجْتَمِعُونَ » )

- الطَّالِبَاتُ يَكْتُبْنَ دُرُوسَهُنَّ بِدِقَّةٍ ( فاعل : ضمیر بارز « نون » در فعل « يَكْتُبْنَ » )

(۳) **ضمیر مستتر ( پنهان ) :** فاعل در دو حالت از نوع مستتر است :

**الف) صیغه‌های « ۱ و ۴ »** در همه‌ی افعال ( ماضی - مضارع و ... ) ، **به شرطی که فاعلشان اسم ظاهر نباشد**، فاعل از نوع « **ضمیر مستتر** » خواهد بود. ( **جائز الإستار** )

یعنی در صیغه‌ی « ۱ » همه‌ی فعلها ؛ « **هُوَ مستتر** » و در صیغه‌ی « ۴ » همه‌ی فعلها ؛ « **هِيَ مستتر** » می‌باشد.

☑ لازم به ذکر است که در این صیغه‌ها **اولیّت** نوع فاعل با « **اسم ظاهر** » است. و در صورت عدم وجود فاعل از نوع اسم ظاهر، فاعل « **مستتر** » می‌باشد. مثال :

- الطَّالِبُ كَتَبَ ( يَكْتُبُ ) الدَّرْسَ ( فاعل : ضمیر مستتر « هُوَ » )  
- الطَّالِبَةُ كَتَبَتْ ( تَكْتُبُ ) الدَّرْسَ ( فاعل : ضمیر مستتر « هِيَ » )

**ب) در صیغه‌های « ۱۴ و ۱۳ و ۷ مضارع و متعلقاتش »** قطعاً فاعل از نوع « **مستتر** » می‌باشد. ( **واجب الإستار** ). مثال :

- أَيُّهَا الطَّالِبُ ! تَجْتَهِدُ فِي دُرُوسِكَ ( فاعل : ضمیر مستتر « أَنْتَ » )  
- أَكْتُبُ دُرُوسِي فِي الْمَدْرَسَةِ ( فاعل : ضمیر مستتر « أَنَا » )



(۲) **جمله اسمیه :** به جمله ای که با هر نوع اسمی شروع شود ( ضمیر - اسم اشاره - اسم استفهامی - شرط موصول و... ) « **جمله اسمیه** » گفته می شود، که دارای دو رکن « مبتدا » و « خبر » می باشد.

(۱) **مبتدا :** اسمی است که غالباً شروع کننده ی جمله بوده و اعراب آن « مرفوع » **بِ** / **ان** « در اسم مثنی / **ون** « در جمع مذکر سالم ) می باشد. **با ال ، بدون ال**

و نیاز دارد در مورد آن توضیحی داده شود. در ضمن غالباً **معرفة** است ( مبتدا می تواند یک اسم عام یا خاص یا ضمیر و یا اسم اشاره و .... باشد ). مثال :  
 - **الطَّالِبُ نَاجِحٌ :** ( الطَّالِبُ ؛ مبتدا ) - **هُوَ يُعَلِّمُ الدَّرْسَ :** ( هُوَ ؛ مبتدا ) - **هَذَا التَّلْمِيزُ فِي الْمَدْرَسَةِ :** ( هذا ؛ مبتدا )

(۲) **خبر :** کلمه یا عبارتی است که غالباً بعد از مبتدا می آید و در مورد مبتدا توضیح داده و در نهایت معنای جمله را کامل می کند و اعراب آن نیز « مرفوع » **بِ** / **ان** « در اسم مثنی / **ون** « در جمع مذکر سالم ) می باشد. مثال :  
 - کلمات و عبارت « نَاجِحٌ - يُعَلِّمُ - فِي الْمَدْرَسَةِ » در مثالهای بالا « خبر » محسوب می شوند.

**انواع خبر در جمله اسمیه :**

(۱) **خبر مفرد : یک تک اسم** است که معنای مبتدا و در نهایت جمله را کامل می کند. ( این تک اسم می تواند ؛ مفرد - مثنی - جمع و مذکر و یا مؤنث باشد )  
 - **أَشْجَارُ الْحَدِيقَةِ بَاسِقَةٌ :** ( باسقةٌ ؛ خبر مفرد ) - **الْمُجَاهِدَةُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مُحَمَّدٌ :** ( محمودٌ ؛ خبر مفرد ) - **هَذَا الْكِتَابُ مَفِيدٌ جَدًّا :** ( مفیدٌ ؛ خبر مفرد )  
 (۲) **خبر از نوع جمله :**

**الف) جمله فعلیه :** اگر بعد از مبتدا **یک فعل به همراه فاعل** خود معنای فاعل را کامل کند، به مجموع آن فعل و فاعل، خبر از نوع « **جمله فعلیه** » گفته می شود.  
 - **التَّوَاضُعُ يَرْفَعُ قِيَمَةَ الْإِنْسَانِ :** ( يَرْفَعُ ؛ خبر از نوع فعلیه ) - **الطَّالِبَانِ نَجَحْتَا فِي دَرُوسِهِمَا :** ( نَجَحْتَا ) ( خبر از نوع فعلیه )

**ب) جمله اسمیه :** اگر بعد از مبتدا **یک جمله به عنوان خبر بیاید که خود دارای مبتدا و خبر باشد**، به مجموع مبتدا و خبر **دوم** ، خبر از نوع « **جمله اسمیه** » گفته می شود. ( در خبر از نوع اسمیه همواره یک ضمیری [ بارز یا مستتر ] وجود دارد که مرجع آن مبتدای اول می باشد ). مثال :  
 - **الطَّالِبَةُ قَلْبُهَا طَاهِرٌ :** ( الطَّالِبَةُ ؛ مبتدا - قَلْبُهَا طَاهِرٌ ؛ خبر از نوع اسمیه ( قَلْبُهَا + طَاهِرٌ ؛ مبتدا + خبر )  
 - **اللِّسَانُ جَرْمُهُ صَغِيرٌ :** ( اللِّسَانُ ؛ مبتدا - جَرْمُهُ صَغِيرٌ ؛ خبر از نوع اسمیه ( جَرْمُهُ + صَغِيرٌ ؛ مبتدا + خبر )

(۳) **خبر از نوع شبه جمله :** هرگاه بعد از مبتدا یک ترکیب « **جار و مجرور** » یا یک « **ظرف زمان یا مکان** » ( قید زمان یا مکان ) قرار گیرد و معنای مبتدا را کامل کند، به آن ترکیب « **جار و مجرور** » « **شبه جمله** » گفته می شود. مثال :  
 - **الطَّالِبُ فِي الْمَدْرَسَةِ :** ( فِي الْمَدْرَسَةِ ؛ خبر از نوع شبه جمله ) - **الطَّائِرُ فِي السَّمَاءِ :** ( فِي السَّمَاءِ ؛ خبر از نوع شبه جمله )

**نکته ۳ :** لازم به ذکر است که اولویت آمدن خبر در جمله ی اسمیه ؛ ۱- مفرد ۲- جمله فعلیه ۳- جمله اسمیه ۴- شبه جمله می باشد.  
**نکته ۴ :** هرگاه خبر در جمله اسمیه از نوع **شبه جمله** باشد و مبتدا اسمی **نکره** باشد، **باید** خبر بر مبتدای خود مقدم خود شود، که در اینصورت به خبر « **خبر مقدم** » و به مبتدا « **مبتدای مؤخر** » می گویند.

اما اگر مبتدا اسمی **معرفة** باشد و خبر باز هم از نوع **شبه جمله**، می تواند مقدم شود و می تواند مقدم نشود. مثال :  
 - فِي الْمَدْرَسَةِ طَالِبٌ ✓ - طَالِبٌ فِي الْمَدْرَسَةِ ✗ - الطَّالِبُ فِي الْمَدْرَسَةِ ✓ - فِي الْمَدْرَسَةِ الطَّالِبُ ✓

**نکته ۵ :** هرگاه جمله با یک ترکیب **جارو مجرور** شروع شود و بعد از آن یک **اسم نکره** ( بدون ال و بدون مضاف الیه ) بیاید، قطعاً خبر « **مقدم** » بوده و مبتدای جمله « **مؤخر** » است. ولی اگر مبتدا **معرفة** باشد باید به ادامه ی جمله دقت کنیم. در صورتی که ادامه ی جمله یک **اسم مرفوع** یا **جمله** ( فعلیه - اسمیه ) آمده باشد، اولویت برای تعیین خبر با این دو نوع می باشد. مثال :

[/@Arabicfadaei](https://t.me/Arabicfadaei) تلگرام

[/@Arabicfadaei](https://t.me/Arabicfadaei) تلگرام

- فِي الْمَكْتَبَةِ كِتَابٌ مَفِيدٌ : ( فِي الْمَكْتَبَةِ ؛ خبر مقدم - كِتَابٌ ؛ مبتدای مؤخر )  
 - فِي الْمَكْتَبَةِ الْكِتَابُ مَفِيدٌ : ( الْكِتَابُ ؛ مبتدا - مَفِيدٌ ؛ خبر مفرد )

نکته ۶ □ : در جمله‌ی اسمیه یک مبتدا ممکن است چند خبر داشته باشد. مثال : اللهُ عَفْوَرٌ رَحِيمٌ : عَفْوَرٌ ؛ خیر ۱ - رَحِيمٌ ؛ خبر ۲ )

نکته ۷ □ : هرگاه خبر جمله از نوع « مفرد » باشد، در صورتی که اسم بر وزن‌های « اسم فاعل و اسم مفعول » باشد باید در « جنس و تعداد » با مبتدای

خود مطابقت داشته باشد. ولی اگر بر وزن این اسامی نبود، لزومی به مطابقت وجود ندارد.

- الطَّالِبُ نَاجِحٌ : ( تبعیتِ خبر از مبتدا در نظر جنس و تعداد )  
- الطَّالِبَةُ نَاجِحَةٌ : ( تبعیتِ خبر از مبتدا در نظر جنس و تعداد )

- الطَّالِبَانِ نَاجِحَانِ : ( تبعیتِ خبر از مبتدا در نظر جنس و تعداد )  
- الطَّالِبَتَانِ نَاجِحَتَانِ : ( تبعیتِ خبر از مبتدا در نظر جنس و تعداد )

- الطَّلَابُ نَاجِحُونَ : ( تبعیتِ خبر از مبتدا در نظر جنس و تعداد )  
- الطَّالِبَاتُ نَاجِحَاتٌ : ( تبعیتِ خبر از مبتدا در نظر جنس و تعداد )

- الغِيبَةُ حَرَامٌ : ( خبرِ مفرد، جامد است )  
- النَّبِيُّ رَحْمَةٌ لِّلْعَالَمِينَ : ( خبرِ مفرد، جامد است )  
- الْعِلْمُ عِلْمَانٌ : ( خبرِ مفرد، جامد است )

نکته ۸ □ : اگر در جمله‌ی اسمیه خبر از نوع « فعلیه » باشد، باید در صیغه ( جنس و تعداد ) از مبتدای خود تبعیت کند. مثال :

- الطَّالِبُ يَنْجِحُ ( نَجَحَ ) : ( تبعیتِ خبر فعلیه از مبتدا در صیغه )  
- الطَّالِبَةُ تَنْجِحُ ( نَجَحَتْ ) : ( تبعیتِ خبر فعلیه از مبتدا در صیغه )

- الطَّالِبَانِ يَنْجِحَانِ ( نَجَحَا ) : ( تبعیتِ خبر فعلیه از مبتدا در صیغه )  
- الطَّالِبَتَانِ تَنْجِحَانِ ( نَجَحَتَا ) : ( تبعیتِ خبر فعلیه از مبتدا در صیغه )

- الطَّلَابُ يَنْجِحُونَ ( نَجَحُوا ) : ( تبعیتِ خبر فعلیه از مبتدا در صیغه )  
- الطَّالِبَاتُ يَنْجِحْنَ ( نَجَحْنَ ) : ( تبعیتِ خبر فعلیه از مبتدا در صیغه )

نکته ۹ □ : گاهی مبتدا و خبر ( نهاد و گزاره ) و فاعل و مفعول، بعد از خودشان ؛ صفت یا مضافُ الیه می‌گیرند، یعنی خودشان موصوف یا مضاف

واقع می‌شوند. مثال :

- صُدُورُ الْأَحْرَارِ قُبُورُ الْأَسْرَارِ : ( صُدُورٌ : مبتدا / الْأَحْرَارُ : مضافُ الیه - قُبُورٌ : خبر / الْأَسْرَارُ : مضافُ الیه )

- يَزْرَعُ الْفَلَّاحُ الْمَجْدُ أَشْجَارَ التَّفَاحِ : ( الْفَلَّاحُ : فاعل / الْمَجْدُ : صفت - أَشْجَارَ : مفعول / التَّفَاحِ : مضافُ الیه )

@Arabicfadaei / تلگرام

محل یادداشت نکات

\*\*\*\*\*

**لغات و کلمات درس پنجم**

\*\*\*\*\*

- |                                |                                                       |                                                                |
|--------------------------------|-------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------|
| ۴۳) إضافة إلى : افزون بر       | ۲۲) عَوْضٌ : جبران کرد ( يُعَوِّضُ / تَعْوِضُ )       | ۱) أَدَارَ : چرخاند - اداره کرد ( يُدِيرُ / إدارة )            |
| ۴۴) السَّائِلُ : مایع - پرسنده | ۲۳) لَعِقَ : لیسید ( يَلْعَقُ )                       | ۲) أَعُوذُ : پناه می‌برم                                       |
| ۴۵) الذَّنْبُ : دُم            | ۲۴) الحَطَبُ : هیزم                                   | ۳) أفرَزَ : ترشح کرد ( يُفِرِّزُ / إفراز )                     |
| ۴۶) صُدُورُ : سینه‌ها          | ۲۵) البوم : جغد                                       | ۴) أنشَدَ : سرود ( يُنْشِدُ / إنشاد )                          |
| ۴۷) ضَوْءٌ : نور               | ۲۶) اسْتَطَاعَ : توانست ( يَسْتَطِيعُ / اسْتَطَاعَة ) | ۵) اِبْتَعَدَ : دور شد ( مضارع : يَبْتَعِدُ / ابتعاد )         |
| ۴۸) السَّكِينَةُ : آرامش       | ۲۷) سَارَ : حرکت کرد ( يَسِيرُ )                      | ۶) إِخْلَاصٌ : مخلص شدن - خالص کردن عمل                        |
| ۴۹) الْمُطَهَّرُ : پاک شده     | ۲۸) بارَكَ اللهُ فیک : آفرین بر تو                    | ۷) اسْتَعَانَ : یاری جست ( يَسْتَعِينُ / اسْتِعَانَة )         |
| ۵۰) الظَّلامُ : تاریکی         | ۲۹) إضَاعَةٌ : نابود کردن                             | ۸) اسْتَفَادَ : استفاده کرد ( يَسْتَفِيدُ / استفادة )          |
| ۵۱) إِتْجَاهٌ : جهت            | ۳۰) الجُرْحُ : زخم                                    | ۹) مَلَكَ : مالک بود - دارد - فرمانروایی کرد ( يَمْلِكُ )      |
| ۵۲) اليُسْرُ : آسانی           | ۳۱) بَرَى : خشکی - صحرايي                             | ۱۰) اِحْتَوَى : در بر داشت - شامل شد ( يَحْتَوِي / اِحْتِواء ) |
| ۵۳) الفِضَّةُ : نقره           | ۳۲) خِرَانَةٌ : انبار ( جمع : خِرَانَات )             | ۱۱) التَّامُّ : بهبود یافت ( يَلْتَمُّ / التَّام )             |
| ۵۴) القُبْحُ : زشتی            | ۳۳) زَيْتٌ : روغن                                     | ۱۲) نَسِيَ : فراموش کرد                                        |
| ۵۵) المُضَىء : نورانی          | ۳۴) الحِرْبَاءُ : آفتاب پرست                          | ۱۳) اِنْبَعَثَ : فرستاده شد ( يَنْبَعِثُ / اِنْبِعَاث )        |
| ۵۶) الوَقَايَةُ : پیشگیری      | ۳۵) اِلْتِقَاطٌ صَوْرٍ : عکس گرفتن                    | ۱۴) تَأَثَّرَ : تحت تأثیر قرار گرفت ( يَتَأَثَّرُ / تَأَثَّر ) |
| ۵۷) اللِّسَانُ : زبان          | ۳۶) اِنَارَةٌ : نورانی کردن                           | ۱۵) سَبَّوْا : حرکت کنید                                       |
| ۵۸) النَّوْمُ : خواب           | ۳۷) نَطَمَعُ : طمع می‌ورزیم                           | ۱۶) تَحَرَّكَ : حرکت کرد ( يَتَحَرَّكُ / تَحَرُّكٌ )           |
| ۵۹) القَطِّعُ : گربه           | ۳۸) حَتَّى : تا ( حَتَّى تَبْتَعِدَ : تا دور شود )    | ۱۷) حَرَّكَ : حرکت داد ( يُحَرِّكُ / تحريك )                   |
| ۶۰) القَيْدُ : بند             | ۳۹) الخَلْقُ : بسیار آفریننده                         | ۱۸) قَسَمَ : قسمت کرد                                          |
| ۶۱) البَطُّ : اردک             | ۴۰) دُونَ أَنْ : بدون آنکه                            | ۱۹) حَوَّلَ : تبدیل کرد ( يُحَوِّلُ / تحویل )                  |
|                                | ۴۱) دُونَ أَنْ يَتَحَرَّكَ : بدون آنکه حرکت کند       | ۲۰) دَلَّ : راهنمایی کرد ( يَدُلُّ )                           |
|                                | ۴۲) البَكْتِيرِيَا : باکتری                           | ۲۱) أعشاب طيبة : گیاهان دارویی ( عَشْبٌ طَيِّبٌ )              |

\*\*\*\*\*

**کلمات مترادف درس پنجم**

\*\*\*\*\*

- |                                           |                                                |                                               |
|-------------------------------------------|------------------------------------------------|-----------------------------------------------|
| ۳) الأجساد = الأقسام - الأبدان ( بدن ها ) | ۲) الأفضَلُ = خَيْرٌ ؛ أَعْلَى ( بهتر - برتر ) | ۱) اسْتَطَاعَ = قَدِرَ ( توانست )             |
| ۶) الثَّمَرَةُ = الفاكهة ( میوه - ثمر )   | ۵) العُشْبُ = الثَّيَابُ ( گیاه )              | ۴) الكَلَامُ = القَوْلُ ( سخن )               |
| ۹) حَلْفٌ = وِرَاءُ ( پشت )               | ۸) مِنْ فَضْلِكَ = رَجَاءٌ ( لطفاً )           | ۷) التَّنْفَائِيَّةُ = الزُّبَالَةُ ( زباله ) |
| ۱۲) جَدَّ = اِجْتَهَدَ ( تلاش کرد )       | ۱۱) طَلَّبَ = أَرَادَ ( خواست )                | ۱۰) المَرءُ = الإنسان ( انسان - شخص )         |
| ۱۵) قَذَفَ = رَمَى ( انداخت )             | ۱۴) الفُصَّةُ = الحُزْنُ ( غم )                | ۱۳) بَنَى = صَنَعَ ( ساخت )                   |
| ۱۸) الغيم = السَّحَابَةُ ( ابر )          | ۱۷) خِلَالٌ = بَيْنَ ( در میان )               | ۱۶) الينبوع = العَيْنُ ( چشمه )               |
| ۲۱) الحُجْرَةُ = العُرْفَةُ ( اتاق )      | ۲۰) الرَّائِعَةُ = الجَمِيلَةُ ( جالب و زیبا ) | ۱۹) حَوَّلَ = بَدَّلَ ( تبدیل کرد )           |
| ۲۴) المَخزَنُ = الخِرَانَةُ ( انبار )     | ۲۳) النَّجَاحُ = الفَوْزُ ( موفقیّت )          | ۲۲) دَلَّ = هَدَى ( راهنمایی کرد )            |
| ۲۷) الضَّوءُ = النُّورُ ( نور )           | ۲۶) المَاهِرُ = الحَاقِظُ ( ماهر - استادکار )  | ۲۵) السَّكُونُ = الهُدوءُ ( آرامش )           |

\*\*\*\*\* « کلمات متضادّ درس پنجم » \*\*\*\*\*

- |                                              |                                                                     |                                                              |
|----------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------|
| ( ۳ ) السَّائِلُ ≠ الجَامِدُ ( مایع ≠ جامد ) | ( ۲ ) السَّكُوتُ ≠ التَّكَلُّمُ ( ساکت بودن ≠ سخن گفتن )            | ( ۱ ) اِبْتَعَدَ ≠ اقْتَرَبَ ( دور شد ≠ نزدیک شد )           |
| ( ۶ ) السَّلْمُ ≠ الحَرْبُ ( صلح ≠ جنگ )     | ( ۵ ) الحَسَنَةُ ≠ السَّيِّئَةُ ( نیکی ≠ بدی )                      | ( ۴ ) بَرِيٌّ ≠ مَائِيٌّ - بَحْرِيٌّ ( خشکی ≠ آبی - دریایی ) |
| ( ۹ ) النَّفْعُ ≠ الضَّرَرُ ( سود ≠ ضرر )    | ( ۸ ) الضَّيَاءُ ، الضَّوْءُ ≠ الظُّلَامُ ( روشنایی، نور ≠ تاریکی ) | ( ۷ ) الجَمَالُ ، الحُسْنُ ≠ القُبْحُ ( زیبایی ≠ زشتی )      |
| ( ۱۲ ) المَدْحُ ≠ الذَّمُّ ( ستایش ≠ سرزنش ) | ( ۱۱ ) السُّؤَالُ ≠ الجَوَابُ ( سؤال ≠ جواب )                       | ( ۱۰ ) الصِّدْقُ ≠ الكِذْبُ ( راستگویی ≠ دروغگویی )          |
| ( ۱۵ ) الفَرَحُ ≠ الحَزِينُ ( شاد ≠ غمگین )  | ( ۱۴ ) الفَارِغُ ≠ المَمْلُوءُ ( خالی ≠ پر )                        | ( ۱۳ ) يَزْرَعُ ≠ يَحْصُدُ ( می کارد ≠ برداشت می کند )       |
| ( ۱۸ ) اِمَامٌ ≠ خَلْفٌ ( روبرو، جلو ≠ پشت ) | ( ۱۷ ) العُمقُ ≠ السَّطْحُ ( ژرفا و عمق ≠ رو، سطح )                 | ( ۱۶ ) الإِحْسَانُ ≠ الإِسَاءَةُ ( نیکی کردن ≠ بدی کردن )    |
| ( ۲۱ ) أَغْلَقَ ≠ فَتَحَ ( بست ≠ باز کرد )   | ( ۲۰ ) تَعَيْشٌ ≠ تَمُوتُ ( زندگی می کند ≠ می میرد )                | ( ۱۹ ) الخَاصَّةُ ≠ العامَّةُ ( مخصوص ≠ عمومی )              |
| ( ۲۴ ) واقِفٌ ≠ جالِسٌ ( ایستاده ≠ نشسته )   | ( ۲۳ ) العداوَةُ ≠ الصداقةُ ( دشمنی ≠ دوستی )                       | ( ۲۲ ) مَحْبُوبٌ ≠ مَنفُورٌ ( دوست داشتنی ≠ نفرت انگیز )     |
| ( ۲۷ ) الحُسْنُ ≠ القُبْحُ ( زیبایی ≠ زشتی ) | ( ۲۶ ) يَرْفَعُ ≠ يُنْزِلُ ( بالایی برد ≠ پایین می آورد )           | ( ۲۵ ) النَّشِيطُ ≠ الكَسَلُ ( فعال ≠ تنبل )                 |
| ( ۳۰ ) هُنَا ≠ هُنَاكَ ( اینجا ≠ اینجا )     | ( ۲۹ ) يَكْذِبُ ≠ يَصْدُقُ ( دروغ می گوید ≠ راست می گوید )          | ( ۲۸ ) أَرَادِلٌ ≠ أَفْاضِلٌ ( فرومایگان ≠ شایستگان )        |
| ( ۳۳ ) الحَاضِرُ ≠ الغَائِبُ ( حاضر ≠ غائب ) | ( ۳۲ ) المَؤْمِنُونَ ≠ الكَافِرُونَ ( مؤمنان ≠ کافران )             | ( ۳۱ ) المُتَحَرِّكُ ≠ الثَّابِتُ ( با حرکت ≠ بی حرکت )      |

\*\*\*\*\* « جمع‌های مکسر درس پنجم » \*\*\*\*\*

- |                                                |                                                                 |                                                            |
|------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------|
| ( ۳ ) الأَحْزَابُ ← الحِزْبُ ( گروه )          | ( ۲ ) أَثْمَارٌ - ثِمَارٌ ← ثَمَرٌ ( میوه )                     | ( ۱ ) أَبْرَارٌ ← بَرٌّ - بُرٌّ - بَارٌّ ( نیکوکار )       |
| ( ۶ ) الأَجْسَادُ ← الجَسَدُ ( اندام - بدن )   | ( ۵ ) الأَعْشَابُ ← العُشْبُ ( علف - گیاه )                     | ( ۴ ) أَعْضَاءٌ ← عَضْوٌ ( جزئی از بدن یا هر چیز دیگر )    |
| ( ۹ ) الخَوَاصُّ ← الخَاصُّ ( ویژه )           | ( ۸ ) الأَوْلَادُ ← الوَلَدُ ( فرزند )                          | ( ۷ ) أَذْكَيَاءٌ ← ذَكِيٌّ ( باهوش )                      |
| ( ۱۲ ) الصُّدُورُ ← الصَّدْرُ ( سینه )         | ( ۱۱ ) الرُّسُلُ ← الرِّسُولُ ( فرستاده - پیامبر )              | ( ۱۰ ) أَنْصَارٌ ← نَاصِرٌ - نَصِيرٌ ( یاور - یاری کننده ) |
| ( ۱۵ ) الثَّلُوجُ ← الثَّلَجُ ( برف )          | ( ۱۴ ) أَصْحَابٌ - صَحَابَةٌ ← صَاحِبٌ ( یار - هم‌نشین - رفیق ) | ( ۱۳ ) المُدُنُ ← المَدِينَةُ ( شهر )                      |
| ( ۱۸ ) الذُّنُوبُ ← الذَّنْبُ ( گناه )         | ( ۱۷ ) المَصَابِيحُ ← المِصْبَاحُ - المِصْبَحُ ( چراغ )         | ( ۱۶ ) الأَوْقَاتُ ← الوَقْتُ ( زمان )                     |
| ( ۲۱ ) الأَذْنَابُ ← الذَّنْبُ ( دُم )         | ( ۲۰ ) الأَسْمَاكُ ← السَّمَكُ ( ماهی )                         | ( ۱۹ ) الخَزَائِنُ ← الخَزَائِنَةُ - الخَزِينَةُ ( انبار ) |
| ( ۲۴ ) أَلْوَانٌ ← لَوْنٌ ( رنگ )              | ( ۲۳ ) الجِبَالُ ← الجَبَلُ ( کوه )                             | ( ۲۲ ) الزُّيُوتُ ← الزَّيْتُ ( روغن )                     |
| ( ۲۷ ) الزُّوَارُ ← الزَّائِرُ ( زیارت کننده ) | ( ۲۶ ) العَمَالُ ← العَامِلُ ( کارگر )                          | ( ۲۵ ) الأَمْرَاضُ ← المَرَضُ ( بیماری )                   |
| ( ۳۰ ) الأَحْيَاءُ ← الحَيٌّ ( زنده )          | ( ۲۹ ) الأَحْرَارُ ← الحُرُّ ( آزاده )                          | ( ۲۸ ) الأَمَاكِنُ ← المَكَانُ ( جا )                      |
| ( ۳۳ ) القُصُورُ ← القَصْرُ ( کاخ - قصر )      | ( ۳۲ ) الأَمْثَالُ ← المَثَلُ ( مثال )                          | ( ۳۱ ) الصُّوَرُ ← الصُّورَةُ ( تصویر )                    |
| ( ۳۶ ) الكِلَابُ ← الكَلْبُ ( سگ )             | ( ۳۵ ) الشُّعْرَاءُ ← الشَّاعِرُ ( شاعر )                       | ( ۳۴ ) العُيُونُ ← العَيْنُ ( چشم - چشمه )                 |
|                                                | ( ۳۸ ) الأَخْبَارُ ← الخَبْرُ ( خبر )                           | ( ۳۷ ) الأَضْوَاءُ ← الضَّوْءُ ( نور )                     |